احکام در اعمال، اذکار و عبادات

در

آئین مقدس بیان



از انتشارات اهل بیان

شهر القدرت سال ۱۶۶ تقویم بدیع
دسامبر ۲۰۱۳ میلادی
نسخه ۱

فهرست مطالب

بسم الله الامنع الاقدس

آغاز سخن

تسبیح و تقدیس خدائی راست که نیست خدائی جزاو خدائی که نشناخته است او را شیئ حق شناختن و ممکن نیست بشناسد او را شیئ حق شناختن. زیرا که او آفریننده و ما دون او آفریده اویند و بهاء و نور خدا بر حروف واحد و اولین مرآت خدا در بیان باد و بر آن که مشابه آنان گردد .

پیش گفتار

در باب ۱۷ از واحد ۳ بیان فارسی در مورد شهدای بیان خصوصا و قلم زنان آن عموما چنین وارد شده است :

"*باید ناظر شد به جواهر مسائل و کمی گفتار و دلایل و از طول کلام ، اطناب و فروعات اجتناب نمود*".

و نیز در صفحه ۱۷۰ کتاب جزا "*لا تکثرن القول فیما انتم تکتبون*" : در نوشتن از طول کلام و سخن آرائی اجتناب کنید. با توجه به دستور بالا ما نخست خلاصه ای از احکام را می آوریم و بعد معنی و مفهوم آن را مختصرا شرح می دهیم.

مقدمه

برای احکام عملی ، نخست شناخت گاه شماری در بیان و آنگاه تجلیات و احکام مربوط به آن لازم است و به عبارت دیگر عبادت وقتی صاعد الی الله و مورد قبول حضرت حق است که : "*من حیث ارید لا من حیث ترید*" باشد . یعنی از آن راهی مقبول است که خدا می خواهد نه بنده او .

چون راه شناخت ذات خدای عز و جل برای بشر مسدود و بسته است و به عبارت دیگر ذات ازل *لایدرک و لا یعرف ولا یوصف* بوده ، از این جهت در هر دوری از میان انسانها این اشرف مخلوقات شریفترین و پاکترین فرد را از پاکترین پدر و مادر و از پاکترین خاک به نام نبی یا رسول یا خلیفه و یا مظهر و یا ... برگزیده و راه معرفت و عبادت خویش را به او وحی فرموده است . از اول بلا اول چنین بوده و تا آخر بلا آخر چنین

خواهد بود و این سنت الهی بوده، تغییر و تبدیلی در آن نبوده و نخواهد بود. بنا بر این در هر ظهوری باید مظهر نفس او را شناخت و به آن وسیله خدا را شناخت و به راه عبادت او پی برد .

گاه شماری در بیان

درباره گاه شماری در بیان پرسشهای زیر مطرح است :

۱. مبدأ تاریخ بیان

۲. واحد زمان

۳. روز و آغاز و انجام آن

۴. هفته و آغاز و انجام آن

۵. ماه و آغاز و انجام آن

۶. سال و آغاز و انجام آن

مبدأ تاریخ بیان

حکم شماره ۱: *هذا یوم الاربعاء الخامس من شهر جیم الاول من السنه ۱۲۷۶ از بعثة الفرقانیه یُدخل الله فی البیان سکّانه و کل شیئً بفضله انه قدّار قدیر. هذا یوم الاول من شهر البهاء من السنة الابد ، یُذکر بالفضال من الاسبوع و بالیوم البهاء و من الشهور فی ظهور البیان جل مظهره.* (مقدمه پنج شأن اثر نقطه اولی)

معنی: چهار شنبه پنجم جیم اول سال ۱۲۷۶ از بعثت فرقانی و ۱۲۶۶ از هجرت نبوی صلوات الله علیه و آله الطاهرین مبدأ تاریخ بیان است . و امروز روز اول ماه بهاء از سال هفتم ظهور است که در میان روزهای

هفته روز بزرگترین فضل و احسان خدا بر بشر[1] و در میان روزهای ماهها یوم البهاء (یعنی روز اول ماهها) در ظهور بیان گفته می شود .

حکم شماره۲: وقد جعل الله کل حول من ذلک الیوم تسعة عشر شهرا و کل شهر تسعة عشر یوما وبداء الحساب من ذلک الیوم .

"لانّه سنة لایبدل الّا بامر من یظهره الله " ارتفع وامتنع قدره (مقدمه پنج شان اثر نقطه اولی)

واحد زمان

واحد زمان سال است و آن دارای این اجزاء : هر سال ۱۹ ماه و هر ماه ۱۹ روز است.

حکم شماره ۳: "و انا قد جعلنا ابواب ذلک الدین عدد کل شیئ مثل عدد الحول لکل یوم بابا لید خلن کل شیئ فی جنته الاعلی... "

از (باب اول بیان عربی).

یعنی ما بابهای دین بیان را ۳۶۱ قرار دادیم مثل ۳۶۱ روز سال که هر روز دارای یک باب باشد تا هر چیزی به جنت اعلای خود وارد گردد . اصطلاح" یوم " در اینجا به معنی یک شبانه روز یعنی واحد زمان است و آن خشت بنای هفته و ماه و سال را تشکیل می دهد .

آغاز و انجام " یوم "

قد سطر الله بایدیه علی اول لیله: "سبحان الله ذی العز الشامخ المنیع " و فی اول نهاره "سبحان الله ذی الجلال الباذخ الرفیع "

یعنی: روز از آغاز غروب شروع می شود و غروب روز بعد پایان می یابد (۲۴ساعت) .

دیگر در ظل اسم" الله" در فرض(واجب – ذکر واجب) کلمه توحید در پنج شان چنین آمده است : " فی اول اللیل الی آخر النهار" از غروب آفتاب تا پایان روز.

---

[1] توجه گردد که این جا منظور از فضال روز سه شنبه نمی باشد بلکه روز بخشش و احسان خدا بر مردم است که در این روز اهل بیان در صورت عبادت و هر کار خیر جزای یک سال داده می شود.

این ۳۶۱ باب و ۳۶۱ اسم و ۳۶۱ روز سال بیانی طرحی است کلی بدون ذکر مبدء سال ، مبدء تاریخ ، اسامی ماهها و اسامی ایام ماهها نازله در بیان عربي و فارسی در سنة الدین یعنی سال ۶۴ از هجرت نبوی بعد از ۱۲۰۰ که پایان دوره چهار ساله بابیت است و شأن آن ، شرح و تفسیر آیات و اخبار و احادیث وارده از رسول گرامی و ائمه طاهرین علیهم الصلوة و السلام بوده و آغاز دوره قائمیت و از میان روزهای سال روز اول آن به نام "یوم الله الاعظم" نوروز سال بیانی و عید فطر و از میان روزهای ماهها روز اول و روز آخر یعنی روز نوزدهم آنها بنامهای "*یوم البهاء*" و "*یوم العلاء*" نامگذاری و تعیین شده است.

در دوره قائمیت ، پس از بیان عربي و فارسی به کتاب بزرگ "چهار شأن" می رسیم . در این کتاب ۳۶۱ اسم و هر اسم در چهار درجه نازل شده که برای هر روز سال یک اسم و یک باب است و به اصطلاح بیان هر یومی را بهار حکمی است بدین معنی که هر روزی را حکمی و ذکری است که در اسم مربوط به آن روز نازل گشته است .

بنا بر این هر اسم یک باب و هر ۱۹ باب یک واحد و هر ۱۹ واحد عدد کل شیئ را تشکیل می دهد . همچنان که هر شب و روز یک روز و هر ۱۹ روز یک ماه و هر ۱۹ ماه یک سال بدیع را تشکیل می دهد . مثلا در ظل اسم رفیع چنین آمده است :

"*الباب العاشر من الواحد الثانی من الشهر الثانی من السنة*" *باب دهم از واحد دوم یعنی روز دهم از ماه دوم سال . این حکم در گرو زمان است چنانکه در ظلّ اسم "اقدر" می فرماید : "فلتبعثن اللهم من یُجرینَّ عدد کل شیئ فی اسمائک فی تسعة عشر شهرا . . ."* :

خداوندا در بیان بر انگیز کسی را تا ۳۶۱ اسم تو را در ۱۹ ماه جاری سازد .(اشاره به سلطان بیان که احکام بیان را جاری خواهد کرد)

هفته

حکم شماره ۴ : " *جَدَّدَ اسمائها باجلال و اجمال و الکال و الفضال و العدال و التجلال و الاستقلال و جعل الجمعة الذی هو الاستقلال مهیمنا علی کل الایام اعزازا لمن یظهره الله جل ذکره و ارتفاعا لامره جل قدره لیحضرن کل من ذلک الیوم بین یدیه و هم ساجدون* ." (باب دوم از واحد پنجم اسماء کل شیئ)

اسماء هفته را با این اسمهای خداوند جدید کرده است ، *جلال – جمال –کمال –فضال – عدال – استجلال – استقلال* وجمعه که استقلال نام دارد مهیمن (فرا گیر است) به تمام روزهای هفته به خاطر بزرگ داشت من یظهره الله جل ذکره و بلندای امر او جل قدره تا همه در روزهای جمعه در حضور خدا حاضر شوند و سجده کنند .

حکم شماره ۵ و ۶- ماه و سال : *کل شهر تسعة عشر یوما و کل سنة تسعة عشر شهرا و کل حول ثلث مأة و ستین ثم واحدا ، انتم مثل ذلک تحبون. لا تؤمنن بالقمر فی طلوعه ولا بما انتم بالشمس تحبون* . (اسماء کل شیئ)

ماه و سال

هر ماه ۱۹ روز و هر سال ۱۹ ماه و هر سال ۳۶۱ روز می باشد. و نه قمری حساب کنید و نه شمسی .

نظر به اینکه کلیه احکام دینی برای معرفت صاحب امر و صاحب شرع و یا به اصطلاح مظهر نفس خدا می باشد - زیرا شناخت ذات ازل ممکن نیست مگر به شناخت نقطه علم و دین - از این روی کل احکام و اعمال دینی در هنگام طلوع شمس حقیقت از کل انفس ساقط و راکد است. بجز معرفت صاحب امر و اطاعت کردن از دستورات او :

"*انما الدین یومئذ مادامت الشمس مشرقة بینکم اَنْ توحّدو الله حق ما انتم تستطیعون ثم ما شَرَعنا ثلثمأة و ستین کلمة* "

معنی: مادامی که شمس حقیقت در میان شما طالع است توحید کنید خدا را (*لا اله الا الله* بگویید) و از او فرمان برید . همان طوری که در ظهور فرقان هم همین کلمه بود: *قولوا لا اله الا الله تفلحوا*.

در ظهور بیان نیز طبق سنت الهی ، شش سال اول ظهور شمس حقیقت طالع بود و مؤمنین آگاه از او فرمان می بردند و به اوامر او عمل می کردند و وقایع آن در آثار نازله از نقطه اولی جل شأنه و تاریخ منعکس است . اما احکام عملی بیان به معنی حقیقی کلمه از روز اول تاریخ و تقویم بیانی شروع شده است . نظر به اینکه در باب سوم از واحد پنجم بیان فارسی فرموده :

".... و هر یومی را بهار حکمی قرار داده ... شهر اول شهر نقطه است... و هر یومی از آن را به یکی از حروف واحد نسبت داده و یوم اول که نوروز است یوم لا اله الا الله است مثل آن یوم مثل نقطه است در بیان که کل از آن خلق می شوند و به سوی او عود می نمایند و مظهر آن را در نقطه بیان ذات حروف السبع قرار داده و هر نفسی که موفق شود در یوم او سیصد و شصت و یک مرتبه توحید کند خدا را در آن سال محفوظ می ماند از آنچه از سماء تقدیر نازل می گردد... "

اینک برای شناخت بهتر خوانندگان جدول نوزده حرف بسمله و نوزده باب و نوزده روز و نوزده شهر (ماه) را رسم می کنیم .

١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١۴	١۵	١۶	١٧	١٨	١٩
ب	س	م	ا	ل	ل	ه	ا	ل	ر	ح	م	ن	ا	ل	ر	ح	ی	م
ب	س	م	ا	ل	ا	ه	ا	ل	ا	م	ن	ع	ا	ل	ا	ق	د	س
علی محمد ٢٠٢	محمد حسین ٢٢٠	علی	فاطمه	حسن	حسین	علی	محمد	محمد	علی	علی	محمد	علی	حسن	محمد	محمد	علی	محمود ٩٨	علی محمد ٢٠٢
اسم مخزون	محمد	علی	فاطمه	حسن	حسین	علی	محمد	جعفر	موسی	علی	محمد	علی	حسن	حجة	عثمان	محمد	حسین	علی
اله	واحد	احد	حائی	قاوم	باهی	جالل	عازز	جامل	عاظم	ناور	قادم	کامل	بارر	حاکم	قادر	عالم	سالط	مالک
بهاء	جلال	جمال	عظمة	نور	رحمت	کلمات	کمال	اسماء	عزت	مشیت	علم	قدرت	قول	مسائل	شرف	سلطان	ملک	علاء

و در هرزمان خداوند جل و عزکتاب و حجتی را برای خلق مقدر فرموده و می فرماید و در سنه هزار و دویست و هفتاد از بعثت محمد رسول الله ص کتاب را "بیان" و حجت را "ذات حروف السبع" قرار داده و ابواب دین را عدد نوزده واحد (۳۶۱ اسم) قرار داده و در واحد اول (۱۹ باب اول) توحید ذات و صفات و افعال و عبادت را حکم فرموده ... (واحد اول بیان عربی ص۳)

توحید ذات : شهادت به یگانگی خدا - عالم آن لاهوت است .

توحید صفات : شهادت بر آورنده دین در هر ظهور – عالم آن جبروت می باشد

توحید افعال : شهادت بر ائمه دین و جانشینان رسول- عالم آن ملکوت است

توحید عبادت : شهادت بر ابواب الهدی- عالم آن ناسوت است .

که برای فهم راحت تر آن جدول زیر را مطالعه نمایید .

اصل ۱	اصل ۲	اصل ۳	اصل ۴
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
بسم	الله	الامنع	الاقدس
سبحان الله	و الحمد لله	و لا اله الا الله	و الله اکبر
توحید ذات	توحید صفات	توحید افعال	توحید عبادت
توحید	نبوت	ولایت	بابیت
لاهوت	جبروت	ملکوت	ناسوت
جبرائیل	میکائیل	عزرائیل	اسرافیل
نور ابیض	نور اصفر	نور اخضر	نور احمر
خلق	رزق	موت	حیات
نار (آتش)	هواء	ماء (آب)	تراب (خاک)
سفید	زرد	سبز	قرمز

الماس (سفید)	لعل اصفر	زمرد سبز	یاقوت احمر
آیات	مناجات	خطبه	تفسیر

و این چهار ستون دین است و اصول چهارگانه که در ظهور بعد " *من یظهره الله و حروف حی* " اوست و این واحد همان واحد قرآن است که ظاهر و باطن و اول و آخر بوده و دلیل و حجة در بیان ، آیات است همان طور که در قرآن آیات قرآنی است. این چهار رتبه را مظهر ظهور دار است چنانکه در چهار شأن از او ظاهر شده است .

حالا که با گاه شماری توحیدی و نقش و اهمیت آن آشنا شدیم فرصت آنرا داریم که باعماق دریای ایام و اسماء فرو رفته لئالی و جواهر توحیدی و عبادی را بدست آوریم .

احکام اعمال و اذکار واجب سال بدیع

فرایض روز اول و ماه اول اختصاصا :

"*و انا قد فرضنا فی باب الاول ما قد شهد الله علی نفسه علی انه لا اله الا هو و انّ ذات حروف السبع باب الله...*" در باب اول در روز اول فرض کلمه شهادتین است .

... ثم فی کل باب ذکر اسم حق من لدنا و ذکر احد من حروف الحی بما رجعوا الی الحیوة الاولی، محمد رسول الله و الذینهم شهداء من عند الله ثم ابواب الهدی و خلقوا فی النشأة الاخری بما وعدالله فی القرآن :

(و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین)

این ان *یظهر عدد الواحد فی الواحد الاول ... ذلک واحد الاول من الواحد المعدد یذکر فی (شهر البهاء)* است و هیجده باب دیگر که عبارت از چهارده معصوم و چهار باب باشند به حیات دنیا برگشتند و در ظهورات بیانیه به (حروف حی) مشهور شدند.که نوزده باب اول بیان را به نام (واحد اول) تشکیل می دهند . و نوزده روز اول سال برای ایشان می باشد که خداوند آنرا شهر البهاء و شهر الله نامیده است و ذکرش کلمه شهادتین + شهادت بر حروف حی است :

هر کس" *شهد الله انه لا اله الا هو العزیز المحبوب له الاسماء الحسنی یسبح له من فی السموات و الارض و ما بینهما لا اله الا هو الحی المهیمن القیوم* "را بخواند و بعد بگوید *اللهم صل علی ذات حروف السبع ثم حروف الحی بالعزة و الجلال* ایمان به دین واحد آورده است. (باب اول از واحد اول بیان عربی)

این شهادت به توحید خدا و صلوات بر حروف واحد است .

اما شهادت سه گانه : *شهدالله انه لا اله الا هو و انّ ذات حروف السبع عبده و کلمته و انّ ادلاء الحی هم خلقوا بامره و کل من عند الله فی الکتاب لیخلقون .*

ترجمه : گواهی داد خداوند به اینکه نیست خدایی جز او و اینکه ذات حروف سبع (علی محمد) بنده و کلمه او است و اینکه حروف حی به فرمان او خلق شده اند و همگی از جانب خدا در کتاب خدا (کتاب **من یظهره الله**) دوباره آفریده خواهند شد.

و در باب اول از عدد کلشیئ امری را که خداوند عز و جل فرض نموده کلمه *لا اله الا الله حقا حقا* است و معرفت این کلمه منوط است به معرفت نقطه بیان یعنی کلمه شهادتین که در بالا گذشت و یا شهادتین به این قول : *الله الله ربی ولا اشرک بربی احدا وان ذات حروف السبع باب الله* بگوید به باب اول فائز شده است . (باب اول بیان فارسی)

در باب سوم از واحد پنجم بیان فارسی تصریح شده که هر روزی از روزهای " گاه شماری در بیان " را بهار حکمی است و شهر اول شهر نقطه است. . . ویوم اول ماه نقطه (*نوروز*) و روز *لا اله الا الله* است . یعنی همان *یوم الله الاعظم* و عید فطر و نیز در جدول نمایش دادیم که حرف اول ، باب اول و روز اول نامش (*الله*)است و حرف باب و روز الوهیت است تا برسد به سیصد و شصت و یکمین روز و اسم خدا منتهی گردد. (توضیح بیشتر اینکه ۳۶۱ شخصیتهای ایمانی در بیان در مقام بالاتر ظاهر شدند و اسم الله خوانده شدند و هر یک از روزهای سال به نام آنان نازل شده در چهار شأن (آیات ، مناجات ، خطبه ، تفسیر))

کم کم سالهای ۱۲۶۴ و ۱۲۶۵ را با آن همه تابش خیره کننده آفتاب حقیقتش در آن سوی جبل شدید یعنی چهریق و نامه هایش یعنی بیان عربي و فارسی و اسماء کل شیئ و اجوبه و مناجات و زیارات و تفاسیر که شرق و غرب عالم را پر کرد از یک سو و شجاعتها و دلیریها و حماسه های اسم الله الاول و اسم الله الاخر و اصحابشان علیهم بهاء ربهم در قلعه شیخ طبرسی و پایان کارشان را از سوی دیگر پشت سر می گذاریم و جلو می رویم به روز چهارشنبه پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۶ هجری قمری آغاز سال هفتم ظهور و مبدء تاریخ بیان می رسیم . نامه این روز یعنی کتاب پنج شأن و آورنده اش را می بینیم در جبل الشدید در جای دور افتاده در میان کوههای سر به فلک کشیده تنها ، بیکس ، غریب و بی یار و یاور به استقبال این روز عظیم تاریخی آمده جایش کلبه محقر ، فرشش نمیدانم شاید حصیر یا گلیم پاره ای ، روشنائیش تک چراغی ،

حضورش خالی از نعمتها ، مجرد از دنیا و مافیها ، وحید در حضور خدا نشسته به جشن و سرور پرداخته با رب خویش رازها و نیازها دارد ! حالا آفتاب روز سه شنبه چهارم جیم اول در زیر افق قلعه چهریق پنهان می شود و لحظه تحویل سال هفتم ظهور و یوم الله الاعظم فرا می رسد . چنین می نویسند : *قد سطر الله بایدیه علی اول لیله : سبحان الله ذی العزّ الشامخ المنیع _ و فی اول نهاره : سبحان الله ذی الجلال الباذخ الرفیع .* و در این روز الوهیت اسم " *الله* " در پنج شأن نازل میگردد و از فرازهای این اسم جلیل و این روز عظیم است : " *هذا یوم فیه قد اظهرالله مظهر نفسه . . . فهذا یوم الالوهیة . . . هذا یوم الله جل جلاله . . . هذا یوم یحب الله ان ترفع فیه شجرة الاثبات . . . هذا یوم قد خلق الله فیه عیدین عظیمین و یومین جلیلین یجدد سنینکم فیه و یظهر افطارکم فیه . . . هذا یوم قد نُزّل فیه : اننی انا الله لا اله الا انا الارفع الارفع ، علی عدد کل شیئ فلتتلوه و لتحضرن بین یدی " من یظهره الله " اِنْ انتم فی ایام ظهوره ساجدون و الا فلتحضرن فی بین یدی نقطة الاولی فی مقعدها فلتسبحون الله تسبیحا علیا فلتقدسون الله تقدیسا عظیما .*

و نیز در صفحه ۴۷ و ۸۷ پنج شأن وارد شده است : *و انک قد جعلت کلمة توحیدک فی منتهی خلقک بیتک ، لیستقبلُنّ کل فی علو الاعلی من مظهر نفسک . . . هذا یوم قد خلقه الله قبل خلق کل شیئ و جعله مراة نفسه فی الایام و قدّسه عن الامثال و الاشباه . . . هذا یوم یطرزن فیه سکان الرضوان و یجملن فیه سکان الفردوس و یبهجنّ فیه سکان ملاء الاعلی . . . هذا یوم یحب الله ان یکرمُنّ کل بانفسهم ثم بدونهم علی منتهی الاکرام . . . هذا یوم من یصرف فیه قدر خردل فی الله یعطیه الله ثواب کل من انفق کل شیئ . . . هذا یوم من یعزرن نفسه یؤتیه ثواب من یعزرن کل شیئ. هذا یوم من یسرن نفسا یؤتیه ثواب من یسرن کل شیئ " من یرضین نفسا عن نفسه یؤتیه ثواب من رضی کل شیئ عن نفسه ، هذا یوم " من یظهره الله " ارتفع و امتنع اجتلاله . . . فهذا یوم قد عرض الله محبته علی کل شیئ فأول من اجاب نقطة البیان فلذا قد جعله مظهر نفسه فی ذلک الرضوان .*

ترجمه دو فراز : در قسمت مناجات آمده است : و همانا ای خدا قرار دادی کلمه توحید خودت را در منتهای خلقت (رتبه چهارم = رتبه تراب) خود خانه خود قرار دادی یعنی خانه لا اله الا الله، تا در خانه خود همه مومنین بیان در بالاترین رتبه که مظهر نفس توست خبر بگیرند (یعنی در زمان ظهور خبر ظهور من یظهره الله را در حج بگیرند) .

از این فرازها مطالب زیر بدست می آید :

١. روز اول سال بدیع "سالروز ظهور " است .

٢. یوم الله است .

٣. تحویل سال و نوروز بیانی است .

۴. عید فطر است .چون بعد از شهر العلاء است که ماه روزه است .

۵. ذکر تحویل سال تلاوت کلمه توحید است بتعداد روزهای سال یعنی ٣۶١ مرتبه ا ز غروب آفتاب تا غروب روز بعد

۶. در زمان ظهور من یظهره الله جل ذکره مشرف شدن به حضور او در این روز (بیت حقیقی او است) .

٧. در مابین الظهورین حضور در بیت الله و گفتن سبحان الله و قدسان الله یعنی ارتفاع کلمتین شهادتین که ذکرش گذشت و باز می آید "لا اله الا الله وان علی قبل نبیل مظهر نفس الله "

٨. نو پوشیدن و آراسته بودن اهل جنت بیان در این روز

٩. شادی کردن و به شادمانی پرداختن آنان

١٠. گرامی داشتن آنان و خود را بعد برادران و خواهران دینی خود را

١١. بردن ثواب بخشنده کل شیئ در برابر بخشش و احسان ولو خیلی اندک

١٢. بردن ثواب گرامی و عزیز دارنده کل شیئ در مقابل گرامیداشت مومنی .

١٣. بردن ثواب شاد کننده کل شیئ در برابر شاد نمودن مومنی .

١۴. این روز ی است که خداوند جل شأنه آنرا پیش از هر چیز آفریده و آنرا آئینه ذات خود قرار داده در میان روزها ، و از شبیه و تمثیل مبرا ساخته است .

١۵. این روزی است که خداوند محبتش را بهمه چیز عرضه فرمود ، پس اول کسی که پاسخ مثبت داد نقطه بیان بود . بهمین سبب خداوند عز شأنه او را در جنت بیان ، مظهر نفس خود قرار داده است .

۱۶. نتیجه همه این اعمال و اذکار برای شناخت مظهر خدا و بزرگ داشتن و خشنود ساختن و شاد کردن او ، در روز ظهور اوست و بهر صورت اشاراتی است که این روز را محبوب العالمین جشن می گیرند و در این روز حج می کنند و ندای ظهور بر میآورند همچنان که نقطه بیان عز شأنه کردند

حضرت ثمره در کتاب لحظات در لحظه ۱۰۱ آورده است :
"و احضروا عند عرش الله یوم الظهور و اسمعوا ما یلقیکم الله یومئذ ان تکون عند ربکم مرضیا . " در روز خدا در حضور مظهر خدا جل شأنه حاضر باشید و بتعلیمات او گوش دهید تا در نزد پروردگار خود پسندیده باشید ."

فرایض روز بطور مطلق:

۱. کلمه توحید : "قدر فی بیان ذلک الاسم کلمه _ الله لا اله الا هو المهیمن القیوم _ عدد الواحد فی الاول اللیل الی آخر النهار "
(ظل اسم " الله " پنج شأن) معنی آیه : خدا نیست خدایي جز او که نگهدارنده پاینده و غالب و قائم است .
این ذکر هر روز ۱۹ مرتبه از اول غروب آفتاب تا پایان روز بعد است .
کلمه توحید در هیکل الدین : "شهد الله انه لا اله الا هو الملک ذو الملاکین."
معنی ظاهر این است : گواهی داد خداوند که نیست خدائی غیر از او که صاحب کل ممالک و پادشاه عالم است .

انواع کلمه توحید زیاد است از جمله : لا اله الا الله حقا حقا _ شهد الله انه لا اله الا هو المهیمن القیوم _ شهد الله انه لا اله الا هو العزیز المحبوب . کلمه توحید درهر ظهور با مظهرش مقترن است : و لا تقولن کلمة لا اله الا الله الا و ان تقترنن بذکر الرسول فی کل ظهور .
(ظل اسم اءله پنج شأن). یعنی شهادت به توحید را با شهادت به مظهر ظهور در هر ظهوری قرین سازید به عبارت دیگر کلمه شهادتین را با هم بگوئید چنانکه ذکرش گذشت و باز می آید .

بنا به نص باب نهم از واحد سوم هیکل الدین : *ما نزّل فی البیان فی الابد الا اسماء عدد الواحد ، انتم یهدی الله فی الهیاکل تنظرون .*

از روز چهارشنبه آغاز سنة الابد (یعنی آغاز سال هفتم ظهور از چهارشنبه پنجم جیم اول ۱۲۷۶ بعثت محمدی) کتاب عظیم الشأن پنج شأن در مدت یکماه بدیع یعنی شهر الله الاعظم بترتیب حروف واحد و ترتیب اسماء شهر الله البهاء و هیاکل واحد هر روز یک اسم در پنج شأن و درجه نازل گشت و نقطه بیان عز اعزازه این روز و این ماه را جشن گرفتند و پنج ماه تقویم بیانی را از مبدء تاریخ با نام ایام هفته و نام روزهای ماهِ بهاء و کارهای روزانه را مانند حسابداری ماهر به دفتر ثبت فرمودند . ما برای فهم آسانتر جدول عمومی آنرا ترسیم می کنیم و در مقابل هر یک ذکرش را یاد آور می شویم.

اینک جدول:

نام ایام هفته	نام روزهای هفته	حروف واحد	ذکر آنها
الفضال	اءله	ب	الله لا اله الا هو المهیمن القیوم _ عدد الواحد
استجلال	اوحد	س	اللهم صل علی من تظهرنه یوم القیمة ثم ادلائه بالالوهیته و الایتلاه ۱۹ مرتبه
استقلال	اءحد	م	اللهم صل علی اول من آمن بمظهر نفسک فی البیان ثم علی ادلاء امره انک انت خیرالمصلین ۱۴ مرتبه
جلال	اجمل	ا	اللهم صل علی هیکل الثالث فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
جمال	اقوم	ل	اللهم صل علی هیکل الرابع فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
کمال	ابهی	ل	اللهم صل علی هیکل الخامس فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
فضال	اجل	ه	اللهم صل علی هیکل السادس فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
عدال	اغرّ	ا	اللهم صل علی هیکل السابع فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
استجلال	اجمل	ل	اللهم صل علی هیکل الثامن فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
استقلال	اعظم	ا	اللهم صل علی هیکل التاسع فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
جلال	انور	م	اللهم صل علی هیکل العاشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه

جمال	ااقدم	ن	اللهم صل علی هیکل الحادی و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
کمال	اکمل	ع	اللهم صل علی هیکل الثانی و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
فضال	اقرب	ا	اللهم صل علی هیکل الثالث و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
عدال	احکم	ل	اللهم صل علی هیکل الرابع و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
استجلال	اقدر	ا	اللهم صل علی هیکل الخامس و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
استقلال	اعلم	ق	اللهم صل علی هیکل السادس و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
جلال	اسلط	د	اللهم صل علی هیکل السابع و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه
جمال	املک	س	اللهم صل علی هیکل الثامن و العشر فی البیان انک انت خیرالمصلین ۵ مرتبه

توضیحات بسیار مختصر درباره این نوزده باب :

در اسم ، حرف و باب اول فرض کلمه توحید است و آن انواع گوناگون دارد عامل در خواندن هر یک از آنها آزاد است . تارک در ترک عمل نوزده مثقال الماس اعلی حدّ دارد :

ان ترکتم بعد علمکم لیلزمنکم عدد الواحد مثقال من الالماس الابهی ان نسیتم لم یکن علیکم قضاء و لا حد - در فراموشی قضا ندارد

در باب دوم : لتلهمنّ اللهم کل من فی البیان ان یصلین علی مظهر نفسک فیه فی کل یوم و لیلة تسعة عشر مرة و لا یترکنها ابدا .

ترجمه : نوزده مرتبه صلوات بر من ظهر یا من یظهر (چون هر دو یک حقیقت هستند)

در شأن مناجات : به جای صلوات نوزده مرتبه کلمه شهادتین خوانده شود پذیرفته است : فانّی یا الهی لأُشهدنک و کل شیئ عن اسم الاول بانّه لا اله الا انت ذو السلطنة و الاقتدار و عن اسم الثانی بانّ ذات حروف السبع بهائک و عزتک . (صفحه ۵۰)

شهادتین

شهادتین در شأن خطبه : انه لا اله الا هو المتفرد السلطان و انّ ذات حروف السبع مظهر نفسه .

و در شأن تفسیر : شهد الله انه لا اله الا هو و انّ ذات حروف سبع عبده و بهائه قل کل بامر الله من عنده یخلقون .

معنی ظاهری شهادتین اول : خدایا من و هر چیز دیگر در مورد اسم اول (الله) گواهی می دهیم که نیست خدایی غیر از تو که صاحب سلطنت و قدرت هستی. و در مورد اسم دوم (واحد = من ظهر) گواهی می دهیم که : دارنده هفت حرف (علی محمد جل ذکره) نور و عزت تو است.

دوم : اینکه نیست خدایی غیر از او که فرد و پادشاه است و اینکه دارنده هفت حرف ، مظهر نفس او است .

سوم : خداوند گواهی داد که نیست خدایی جز او - و دارنده هفت حرف بنده او و نور او است . بگو همه به فرمان خدا از نزد او خلق می شوند و در صورت غفلت نوزده مثقال طلا حد دارد : و من یحتجب فلیلزمنه تسعة عشر مثقالا من الذهب و من ینسی فلا شیئ علیه فلیقضینه . حد ندارد ولی قضا دارد .

درباب سوم : خداوندا به اول مؤمن به مظهر نفس خود در بیان و بعد به راهنمایان کار او درود بفرست چون تو بهترین درود فرستندگان هستی .

صلوات دیگر: اللهم صل علی اول من آمن بک ثم بحجتک ثم بمظهر نفسک بکل خیر قد احطت به علما، انک کنت بکل شیء علیما و انک کنت علی کل شیئ قدیرا . معنی : خدایا به اول کسی که تو و بعد به حجت تو و سپس بمظهر نفس تو ایمان آورد درود بفرست با تمام نیک یکه از روی دانش خود بآن احاطه کرده ای . چون تو هر چیز را می دانی و بهر چیز توانائی داری .

در شأن تفسیر ص ۹۷ ، جای ۵ صلوات ۵ مرتبه شهادت به توحید و حروف واحد " من یظهر " کفایت از آن کند : شهد الله انه لا اله الا هو و اَنَّ اعداد حی الذین هم یؤمنون به فاولئک هم فی کتاب الله لمقربون

یعنی : خداوند گواهی داد : که نیست خدائی جز او و آن کسی را که در ظهور بعد از نزد خود ظاهر خواهد کرد بر حق است و همچنین هیجده تن از کسانی که آنان (قبل از کل شئ) باو ایمان خواهد آورد البته آنان در کتاب خدا - کتاب من یظهر متقربند .

در باب چهارم: فلتذکرن ذلک الاسم عدد الهاء فی لیل و نهار : اللهم صل علی هیکل الثالث فی البیان انک انت خیر المصلین.

معنی: خدایا به هیکل سوم در بیان درود فرست چون تو بهترین درود فرستندگانی . در ص ۱۳۱ و ان تتلون تلک الآیة لیکفینک عدد الواحد عن کلمتین الشهادتین ثم عن ذکر الحی و ذلک من فضل الله علی العالمین.

یعنی: اگر این آیه را ۱۹ مرتبه بخوانی از دو کلمه شهادت و حروف حی تو را کفایت میکند و این گذشت از فضل خداوند است بر جهانیان .

اینک آیه : شهد الله انه لا اله الا هو و ان ذات حروف السبع عبده و کلمته و اَنَّ ادلاء الحی هم خلقوا بامره و کل من عندالله فی الکتاب لیخلقون .

خداوند گواهی داد که : نیست خدائی جز او و دارنده حروف هفتگانه بنده او و کلمه اوست و همچنین راهنمایان هیجده گانه آنان بفرمان او در بیان خلق شدند و همگی از نزد خدا در کتاب الله در ظهور بعد خلق خواهند شد.

توضیح ۱ : چنانکه ملاحظه می شود کلمه توحید در هر ظهور ثابت است چون کسی از اهل کتاب در وجود خداوند شک ندارد .

توضیح ۲ : اختلاف در کلمه ثانی و شهادت ثانوی است . زیرا شهادت ثانوی به نام ظاهر در ظهور تغییر می یابد و این اختلاف از جهالت جهلای ظهور قبل و از فرق گذاری آنان بین انبیاء الهی ناشی می گردد. برای رفع این اختلاف است که می بینیم شهادت بر حروف واحد (*من یظهر*) شهادت بر حروف واحد (من ظهر) است زیرا رجعت همین واحد است.

توضیح ۳ : بعد از شهادت بر مظهر ظهور شهادت بر جانشینان اوست. که به قول خدا خلق می شوند . این گروه در بیان هیجده تن هستند که با مظهر ظهور معاصر و همزمان بودند و در ظهور حضور فعال داشتند و پروانه وار گرد شمع وجود محبوب خود گشتند تا بکلی در آتش عشقش سوختند .

و اما در اسلام : این شهادت تلویحی و غیر صریح بود . زیرا اوصیای رسول گرامی در مدت ۲۳ سال نزول قرآن مجید غیر از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و حسنین علیهما السلام پا به حیات ظاهری ننهاده بودند و حسنین نیز در سن کودکی بودند و بمقام ولایت و امامت نرسیده و به عبارت دیگر اوصیا در اسلام حجت بعد حجت بود که ۳۲۹ سال تا غیبت کبری طول کشید و در این مدت ۲۳ سال تنها علی ع یکی از دوازده وصی در ظهور حضور فعال داشت و اسلام در آغاز به شمشیر آن اسد الله الغالب پیش رفت . پس در این مدت سه تن از معصومین حضور داشتند : محمد رسول الله ص و علی ولی الله و فاطمه بنت محمد ص . از این لطیفه ربانی است که کلمه توحید : *لا اله الا الله* دارای دوازده حرف است و اصل آن سه حرف می باشد . چون ریشه اسلام آن سه بزرگوار بودند و نقطه بیان جل شأنه در تفسیر سوره

بقره اثبات فرمودند هر سه حرف مقطعه اول سوره (الم) اشاره به آن سه بزرگوار است که اینجا مقام تفصیل آن نیست .

و اما چرا کلمه توحید دوازده حرف است ؟ آن دوازده حرف اشاره به دوازده امام از نسل نبی به وسیله علی ع و فاطمه ع است بدلیل قول امام موسی الکاظم در پاسخ سوال از اسم اعظم که به گشیش مسیحی فرمود: *اربعة احرف الاول کلمة لا اله الا الله، الثانی محمد رسول الله و الثالث نحن اهل البیت . و الرابع شیعتنا و هم کلمة التکبیر فی التسبیح الاربعة.* و این چهار ستون دین است و صراط مستقیم و شاهراه راستین حقیقت که از اول بلا اول کشیده شده تا آخر بلاآخر ادامه خواهد داشت .

ترتیب تسبیحات اربعة چنین است : *سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.* ***به ترتیب** :توحید، نبوت، ولایت و شیعه.* کلمه *توحید در رتبه سوم : **اشاره به دوازده وصی است که رسول گرامی اسامی آنان را در لوح فاطمه بیان فرموده اند و دلیل دیگر آن سلامی است که به اهل*** *لا اله الا الله* داده می شود (که الآن درقبرستان ها می خوانند) : *السلام علی اهل لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله. . .*

و نیز رسول اکرم فرموده اند : امت پیشین هفتاد و دو فرقه شدند و امت من به هفتاد و سه فرقه منشعب می گردد و یکی از این هفتاد سه فرقه ناجی و رستگار است .

حضرت صادق فرموده اند : شصت فرقه از آن غیر شیعه و سیزده فرقه آن از شیعیان است .

تاریخ شیعه نشان می دهد که این اصول چهار گانه را مرفوع شیخ احسائی و سید کاظم رشتی دریافته اند و به راه آل الله الاطهار علیهم السلام رفته اند .

توضیح ۴ : در ظهور بیان چون رکن سوم(ولایت) و رکن چهارم(شیعه) در یک زمان جمع می شوند زیر یک ستون قرار میگیرند و یک نام می گیرند به نام حروف حی و یک رکن به شهادت به کلام الله اختصاص می یابد که در شهادت چهار گانه خواهیم دید .

و اما در شأن فارسی باب چهار می فرماید: *و ذکر آن در لیل و نهار عدد هاء محبوب بوده و هست و هرگاه در آیه اول که ذکر شهادتین در او شده ذکر اعداد حی شود در آن کافی است از ذکر حروف در هر رتبه عدد هاء .*

باب پنجم صفحه ۱۴۵ : *ان تذکرون بعد الکلمتین ذکرا الحی لیکفیکم*

نوزده مرتبه خواندن شهادتهای سه گانه توحید مظهر ظهور و حروف حی کافی است .

باب ششم صفحه ۲۱۱ : محبوب داشته خداوند ذکر حی را در آیه ای که ذکر شهادتین در آن نازل فرموده در هر لیل و نهار عدد واحد (۱۹) و اگر ذکر نشود عدد هاء (۵) کفایت کند در ذکر .

باب هفت : ذکر *ذلک الحرف فی ظلّ ذلک الاسم* . یعنی یاد حرف هفتم بسمله در سایه اسم (اجل) آنگاه صلوات بر (من یظهر و حروف حی او) در سایه این اسم وارد شده است : *انما البهاء من الله علی من یظهره الله لم یزل ثم علی ادلائه بالقدس و الجلل* : همانا نور خدا ، به پاکی و شکوهمندی بر من یظهره الله و حروف حی او باد.

در باب یازدهم می فرماید : دوره ، دوره اسم است ، در بحر اسم سیر کنید که بهتر از بحر خلق است.
(یعنی ذکر اسماء الله افضل از ذکر نامهای حجج است) .

در باب دوازده : تلاوت آیه *شهدالله انّه لا اله الا هو و انّ ذات حروف السبع عبده وکلمته وانّ ادلاء الحی هم اول خلقه قل کل بامر الله من عنده یُخلقون* به عدد واحد مستکفی بوده ولی در اولتین (کلمه شهادتین) عدد واحد و در حروف حی عدد هاء(پنج مرتبه) در لیل و نهار ذکر شده است.

این شهادت سه گانه است : توحید ، مظهر ظهور و هیجده نفر حروف حی. هرگاه در شبانه روز (از غروب آفتاب تا غروب روز بعد) نوزده مرتبه تلاوت شود از حقوق خدا و حروف واحد کفایت می کند .
ولی اگر شهادتین تلاوت شود نوزده مرتبه خوانده می شود . در صورت جدا خواندن کلمه توحید و مظهر ظهور ، هریک نوزده مرتبه خوانده می شود و بر حروف حی هر کدام پنج مرتبه صلوات فرستاده می شود .

احکام ابواب واحد اول در هیکل الدین

قد قدر فی الباب الاول ذکر نفسه نفسه ، انه لا اله الا هو قد قدر الثانی ، ذکر من ظهر فی ذلک الظهور ، ثم من یظهر فی الظهور الآخر فانه عبده و حجة و کل بامرالله من عنده یخلقون .

قد قدر الثالث : ما یتنزل فی البیان من الآیات واحدة منهن حجته

قد قدر الرابع : رجع واحد الفرقان باسمائهم .

قد قدر الخامس : ذکر مایکلّف کل نفس فی البیان ، ذلک بعد ان تقضی من عمرها احدی عشر سنة کاملة.

قد قدر السادس : ان یذکر الله بذکر توحیده تسعة عشر مرّة من اول لیلکم الی آخر نهارکم ، و ان ترکتم بعد علمکم لیلزمنکم عدد الواحد مثقالا من الالماس الابهی وان نسیتم لم یکن علیکم قضاء ولا حدا ...

قد قدر السابع : ان تذکروا من نقطة البیان ، مثل ما قدر فی ذکر التوحید ذکرا و عددا و حدّا .

قد قدر الثامن : ذکر محمد فی عدد الحی باللیل والنهار... عدد الجواد لما نزل حینئذ. اما حد ش : خمسة مثقال من الماس اویاقوت احمر.

قد قدر التاسع ، ذکر رجع "علی" فلتذکرونه عدد الهاء.

حد ش : خمس مثقال من اللعل الاصفر.

قد قدر العاشر: ذکر کلمة الابهی ، فلتذکروها .... حد ش : الزّمرد تحبون.

قد قدر البهاج (١١): ذکر اسم الحسن ع ، مثل ما قد قدر فی "علی" تعلمون .

قد قدر الثانی من بعد العشر : ان تذکرون ماقضی علی الواحد الاول .

قد قدر الثالث بعد العشر: اسم رجع الحسین ثم علی و محمد و هادی و مهدی و علی و محمد و علی والحسن مثل ما قد قدر من قبل تعلمون ثم فی الحد بالیاقوت تحکمون .

قد قدر الوهاب (١۴): ذکر ظهور ما کل وُعدوا به ثم رجع ابواب الهدی ، اتم عدد الواحد لتذکرون ، ثم فی الحد کل واحد ، عدد الواحد فی الالماس تحکمون .

قد قدر الخامس ...

قد قدر البدی (۱۶) ....

قد قدر البهی (۱۷)....

قد قدر الحی (۱۸): تخلّقّم باخلاق مّشئم وان تقرؤن آیة الواحد من ابواب الواحد لیکفینکم عن الاذکار والاعداد "شهد الله انه لا اله الا هو الملک ذو الملاکین وانّ علی قبل نبیل ذات الله وکینونیته وانّ ادلاء الحی هم[2] فی کتاب الله اول المؤمنین " .

اینک توضیحات نوزده باب اول هیکل الدین :

۱. **چهار باب اول**، گواهی به چهار ستون دین است به قرار زیر :

شهادت توحید

شهادت به حجت ناطق یا مظهر ظهور

شهادت به حجت صامت یا کلام الله (کل آثار بیان)

شهادت به رجعت واحد فرقان –چهارده معصوم + چهار باب با نامهای قبلی خویش .

این چهار شهادت در تفسیر سوره حمد به این صورت وارد شده است :

لا اله الا الله وانّ علی قبل نبیل مظهر نفس الله وانّ ما فی البیان دین الله وانّ ادلاء الحی اصفیاء الله.

معنی ظاهری : هیچ خدایی نیست غیر از الله و همانا علی قبل نبی مظهر نفس خدا است و همانا آنچه در بیان است دین خدا است و همانا حروف حی برگزیدگان خدا هستند.

این چهار شهادت در سال ابد سال هفتم ظهور در لوح آقا سید حسین کاتب به این صورت وارد شده است به عدد قهیر (۳۱۵مرتبه): لا اله الا الله وانّ علیا قبل نبیل نفس الله وانّ ما فی البیان دین الله وانّ اسم الازل الوحید ذات الله

---

[2] باب نوزده بدست نیامده و کلمه هم ، اتم بوده است که احتمالا اشتباه کتابت شده است.

۲. **درباب ششم** : نوزده مرتبه خواندن کلمه توحید وارد شده ، ترک عمدی نوزده مثقال الماس اعلی ، حد به گردن تارک است و در صورت فراموشی حد و قضا ندارد .

۳. **درباب هفتم** : به جای شهادت به رکن دوم - مظهر ظهور - نوزده مرتبه خواندن کلمه توحید از طرف نقطه بیان آمده و حدش مثل آن است.

۴. **ذکر محمد** از پنج مرتبه به چهارده مرتبه تغییر یافته و حدش پنج مثقال الماس یا یاقوت است .

۵. **ذکر رجعت علی و فاطمه تا امام حسن عسگری** هر کدام پنج مرتبه است و حد هر کدام نیز پنج مثقال است . با این تفاوت که حضرت علی و حسن علیهما السلام لعل زرد است و حضرت فاطمه زمرد و بقیه تا امام حسن عسگری یاقوت است.

۶. **درباب چهاردهم** ، ذکر ظهور حضرت قائم و رجعت چهار باب، نوزده مرتبه می باشد .

۷. **در چهار شهادت دوم**، شهادت به پیدایش میرزا یحیی *صبح ازل* در رکن چهارم جای گرفته و شهادت حروف حی در رکن سوم یعنی : انّ ما فی البیان دین الله پنهان و مستتر گشته است .

حکم ۲۰ : *فلتقرئنّ البیان و لا تنقص من تسعة عشر آیة* (۸-۵ ب ع)

"اگر نتوانید تلاوت آیات نمائید، نوزده مرتبه از طلوع تا طلوع دیگر گفته : الله الله ربی و لا اشرک بالله ربی احدا " (۸-۵ ب ف)

فلتقرئن البیان فی الباب الابد بروا حکم و لینظرنّ الیه وان لم تتعلمون فلتقولون عدد الواحد : سبحان الله الملک المقتدر . (۷_۵ ه):

بیان را با روح و ریحان بخوانید و بآن بنگرید و هرگاه با خواندن آشنا نبودید ۱۹ مرتبه این آیه را بخوانید ؟ معنی آیه : پاک و منزه است خداوندی که پادشاه توانا ست .

حکم ۲۱ : *فلتقولون فی کل یوم تسعة و تسعین مرة "الله اعظم* "(۱۷-۵ ب ع)

از طلوع شمس تا غروب آن ، خداوند اذن فرموده هر نفسی را که ۹۵مرتبه بگوید :

الله الهی -یا الله اعظم یا الله اظهر یا الله انور یا الله اکبر (۱۷-۵ ب ف)

اَن اُذکر الله فی کل یوم خمس و تسعین مرة و انتم "الله اظهر" تقولون (-۱۷-۵ ه)

حکم ۲۲: اتم ان تعلمن البیان فمن آیاته باللیل و النهار ما تحبون لتقرؤن . و الا فلتذکرنَّ الله سبعاًة مرة ان اتم فی روح و الا ما اتم تتروّحون (۱۴-۸ بع)

و اذن داد که اگر کسی تواند هر روز و شب هفتصد آیه از بیان تلاوت نماید و اگر نتواند ۷۰۰ مرتبه "الله اظهر" بگوید (۱۴_ ۸ب ف)

اَن اقرؤا البیان کله بروح و رضاء : ان لا تعلمون فاذکروا الله من زوال الی زوال ، سبعاًة مرة بما اتم تحبون (- ۱۳-۸ ه)

یعنی همه بیان را بشادمانی و خشنودی بخوانید و اگر خواندن نمی دانید از ظهر تا ظهر دیگر ۷۰۰ مرتبه هر اسمی را دوست دارید بخوانید .

حکم ۲۳ : رفع عنکم الصلوة کلهن الا من زوال الی زوال تسعة عشر رکعةً، واحدا واحدا، بقیام و قنوت و قعود (-۷-۱۹ ب ع)

اول صلوتی که وضع شد صلوة ظهر بود و کل آن به عدد واحد وضع شد تا آنکه هر یکی باب جنتی باشد در اطاعت حق. و آنچه در این ظهور امر شده (ذکر الله) هست که به روح و ریحان واقع شود که افضل عبادات و امنع درجات است .

احب صلوة صلوتی است که از روی روح و ریحان شود . تطویل محبوب نبوده و نیست .... و کل رکعات حی طائفند حول نقطه وحدت که مبدء زوال و صلوة آن باشد....(۱۹_۷-ب ف)

رفع عنکم الصلوة کلهن الا العدد الواحد من زوال الی زوال و ان تذکرون الله مکان ذلک قدر ذلک ، اتم[۳] ترفعون .(۱۹_۷-ه)

یاد آوری : در بیان عربي فرموده همه نمازها برداشته شده مگر نوزده رکعت از ظهر تا ظهر روز بعد . آنهم تک تک با ایستادن و قنوت کردن و نشستن (برای سجده) .

نماز در این ظهور یاد کردن خدا است که با شادمانی انجام گیرد و تمام هیجده رکعت نماز پیرامون نقطه وحدت می چرخند که آغاز ظهر و نماز ظهر باشد . یعنی همه هجده رکعت که منسوب به حروف حی اند به دور رکعت اول در ظهر که منسوب به نقطه است طواف می کنند .

---

[۳] کلمه (اتم) را کاتب در هیکل (عنکم) ثبت کرده باید تحقیق شود.

پس نقطه وحدت زمان نماز در شبانه روز، ظهر است. همانطورکه در ماه اولین روز آن و در سال نیز اولین روز، روز نقطه می باشد. بنابراین مدت و آغاز و انجام یک روز در خواندن نماز از ظهر تا ظهر روز بعد است.

در هیکل الدین که نزدیک روز شهادت خود نوشته چنین فرموده اند: *ان تذکرون الله مکان ذلک قدر ذلک.*
یعنی اگر بجای نوزده رکعت نماز، نوزده مرتبه خدا را یاد کنید پذیرفته است.

ملا اسمعیل سدهی معروف به ملا مصطفی کاتب از حضرت ثمره علیه بهاء ربه سوال از نماز کرده است وی پاسخ چنین نوشته است: در ایام اخیره فرموده اند: *آیه شهد الله را نوزده مرتبه بخوانند و با بسمله*، این پاسخ اشاره به حکم خدا در هیکل الدین است که در فراز بالا گفته شد.

اصل نماز: *بلی کسی را مصلی می گویند که به حروف واحد موقن شود و عز را در امرالله پیند نه در نفس شیئ*... (۱۹_۷- بیان فارسی)

سجده و ذکر آن: *فی انّ لا تسجدن الا علی البلور فیها من ذرات طین الاول والآخر، ذکرا من الله فی الکتاب لعلکم شیئ غیر محجوب لا تشهدون*. (۸_۱۰-بیان عربی و بیان فارسی)

در این حکم سجده بر بلوری است که ذرات اسم اول و آخر (محمد حسین باب الباب و محمد علی قدوس) *علیهما البهاء من ربهما العلی الاعلی* در آن باشد.

و چون قسمتهائی از هیکل الدین از جمله باب هشتم از واحد دهم دسترس نشده لیکن در تفسیر ((آیه از هیکل الدین)) در رابطه ذکر سجده با عبارت: *و علی ما نزل فی البیان*... به خوبی روشن است که ذکر سجده وارد شده بوده است که در تفسیر آیه به طور مکرر یادآور می شوند: *و انّ بعد التسبیح، ما یکن دلیل العبودیة، السجود*
یعنی: بعد از تسبیح دلیل بندگی سجده می باشد.

عمل و ذکر سجده در تفسیر ، دو آیه از هیکل الدین

و علی ما نزل فی البیان ، خضوع راسک علی طرف الیمین علی قدر ((ذکر الله)) و ((ذکر شمس الحقیقة)) ثم علی الشمائل مثل ذلک به ((ذکر البیان)) و ((ذکر اسماء الله)) که به ترتیب : شهادت به خدا ، شمس حقیقت ،حجة آیات بیان و حروف حی یعنی به اصول چهارگانه می باشد . این است که در چهار باب اول هیکل الدین به آن اشاره شده است و صورت چهارگانه نیز آورده شده است . در این حکم ، ایستادن ، قنوت ، رکوع ، نشستن برای سجده بر بلور ، رفع گردیده است . و عمل و ذکر سجده به صورت زیر آمده است :

مصلی و نماز گزار به هیکل توحید و به قصد و نیت فردی نه جمعی چون نماز جماعت غیر از نماز میت آنهم به قصد فرادی نهی شده است رو به قبله بر روی صندلی و نظائر آن نشسته نماز را رکعت به رکعت می خواند و در هر رکعت یک سجده می کند به این ترتیب : اول سر خود را به طرف راست خم می کند به مدت گفتن کلمه شهادتین *((لا اله الا الله و ان علی قبل نبیل مظهر نفس الله))* بعد سر خود را به سمت چپ خم نموده به مدت زمان ذکر شهادت دوم *((وانّ ما فی البیان دین الله و انّ ادلاء الحی اصفیاء الله))*.

آنگاه در زیبایي و لطافت چنین خضوع و خشوئی فرموده اند : *فان ذلک لطف الخضوعات و اجرد الخشوعات لله سبحانه و لا یخرج العبد عم حد السکینة والآداب و انجذب و الانجذاب.*

یعنی: همانا این نوع سجده لطیف ترین و مجرد فروتنی و تواضع برای خداوند سبحان باشد طوری که بنده از مرز آرامش و ادب و کشش و مجذوب شدن بیرون نمی رود . رجوع کنید به باب یازده از واحد ششم بیان فارسی :... *دوست می دارد خداوند که در هر حال اهل بیان بر فوق سریر یا عرش یا کرسی نشینند.*

قبله

انما القبلة من نظهره ثم من قبل مثل من بعد تعلمون.

یعنی : قبله ((**من يظهره الله**)) است در ظهور او چنان که ((**من ظهر**)) است در ظهور بیان. (۷-۸- بیان عربی)

ان اجعلوا قبلتکم شمس الحقيقة فی کل ظهور متی ینقلب تنقلبون. (۸_-۸- هیکل الدین)

یعنی : در هر ظهور قبله خود را ، شمس حقیقت قرار دهید. هر وقت به هر طرف حرکت کرد شما رو به آن طرف کنید. و بعد از غروب خانه اش قبله می باشد.

لباس نماز گزار :

انتم فلتصلين فی العباء و هنّ فی لباسهن. (۷_-۸- بیان عربی). شما (مردان) با عبا و زنان با لباس خود نماز بخوانید. اذن داده شده صلوة در عبا به شأنی که ظاهر نشود از یدین او الا رؤس انامل که اقرب به وقر بوده و هست...

صلوة در جبّه محبوب نبوده و نیست الا حین اضطرار.... (۸_-۸- بیان فارسی)

فانما الصلوة فی الحرير الخالص ترفع الی الله. (خلاصة الاحکام عربی از حضرت ثمره علیه بهاء ربه)

یعنی : همانا نماز با لباس ابریشم خالص به سوی خدا رافع و در نزد پروردگار پذیرفته می شود.

رکعات

حکم۲۴ : اذان :... *بندگان مؤمن او شب و روز خود را پنج قسمت نموده و در هر قسمتی ذکر او را که : ذکر تهلیل و غنا و عظمت و قدرت و علم و بقا و سلطنت اوست نموده*...

نوبت اول بعد از غروب آفتاب ابتدا نوزده مرتبه ((*لا اله الا الله*)) گفته و سپس نوزده بار ((*الله اغنی*)) گویند.

در نوبت ثانی که شب باشد نوزده مرتبه ((*لا اله الا الله*)) *گفته سپس نوزده مرتبه* ((*الله اعلم*)) گویند.

در نوبت ثالث که صبح باشد نوزده مرتبه ((لا اله الا الله)) گفته سپس نوزده مرتبه ((الله احکم))گویند .

در نوبت رابع که ظهر باشد نوزده مرتبه ((لا اله الا الله)) گفته سپس نوزده مرتبه ((الله املک))گویند .

در نوبت خامس که عصر باشد نوزده مرتبه ((لا اله الا الله)) گفته سپس نوزده مرتبه ((الله اسلط))گویند .

قابل ذکر است که نوبت اول از غروب آفتاب تا زمان عشاء می باشد . نوبت دوم از عشاء تا نیمه شب می باشد .نوبت سوم از طلوع آفتاب تا قبل از ظهر می باشد و نوبت چهارم از ابتدای ظهر تا قبل از اذان عصر می باشد .

هر گاه سخت باشد بر مؤذن ، در مکان اذان بگوید : *شهد الله انه لا اله الا هو و انّ من یظهره الله حق من عند الله کل بامر الله من عنده یخلقون و انا کل بما ینزل الله علیه لمؤمنون.*

این است از فضل و رحمت خداوندی در حق آنها در روزهای سرمای آنها هنگام زمستان و سردی هوا و بادهای مخالف و هنگامی که توانا نمی باشند بر اینکه طول دهند در اذان گفتن خود... (۱۴_-۱۱- بف)

معنی آیه : گواهی داد خداوند به اینکه نیست خدايي جز او و اینکه من یظهره الله جل شأنه از جانب او بر حق است ، همه آفرینش به فرمان او از جانب او خلق می گردند و ما همگی به آیاتی که خدا به او نازل می کند مؤمن هستیم .

توضیح این که این درحقیقت همان چهار شهادت است : شهادت به یگانگی خدا ، شهادت به مظاهر ظهور در هر دور ، شهادت بر مظاهر نفس او ، و شهادت به حجیت آیات الهی .

خلاصه فرایض روز :

۱. کلمه *توحید* – *ظل اسم الله اعله* در پنج شأن :

الف : *الله لا اله الا هو المهیمن القیوم* نوزده مرتبه یا

ب : *شهد الله انه لا اله الا هو الملک الملاکین* نوزده مرتبه

۲. صلوات بر مظهر - *ظل اسم الله اوحد* :

أ. اللهم صل علی ذات حروف السبع ثم حروف الحی بالعزة و الجلال. نوزده مرتبه. این نکته قابل ذکر است که در بیان مظهر اسم عزت حضرت قدوس بوده و مظهر اسم جلال خداوندی در اسم الله الاول ظاهر گردید.

یا

ب. اللهم صل علی من تظهرنه یوم القیمة ثم ادلائه بالالوهیة و الابتلاه. نوزده مرتبه و یا کلمه شهادتین بجای آن دو :

شهد الله انه لا اله الا هو و انّ ذات حروف السبع عبده و بهائه قل کل بامرالله عنده یخلقون. ۱۹ مرتبه

۳. صلوات بر اول مؤمن : اللهم صل علی اول من آمن به مظهر نفسک فی البیان ثم علی ادلاء امره انک انت خیرالمصلین. ۱۴ مرتبه. اگر صلوات فرستادن بر یک یک حروف حی دشوار باشد پنج مرتبه خواندن این آیه کفایت از شهادتین و حروف حی می کند :

شهد الله انه لا اله الا هو و انّ من یظهره الله لحق من عنده و انّ اعداد حی الذینهم یؤمنون به فاولئک هم فی کتاب الله لمقربون.

و این گذشت از فضل خداوند است بر جهانیان.

۴. صلوات بر ثانی مؤمن : اللهم صل علی هیکل الثالث فی البیان انک انت خیرالمصلین. پنج مرتبه

صلوات بر بقیه حروف هر کدام پنج مرتبه به ترتیب جدول یا صلوات جمعی. و این نوزده فریضه برای نوزده حرف آیه اول بیان است به عبارت دیگر حداقل حقوق روزانه الهی و حروف واحد است که خداوند عز و جل را از بندگان مؤمن خود فضلا می پذیرد بعد از یازده سالگی کامل.[4]

اگر نوزده مرتبه این آیه خوانده شود کفایت از دو کلمه شهادت و حروف حی می کند و این از فضل خداوند است بر جهانیان :

شهد الله انه لا اله الا هو و ان ذات حروف السبع عبده و کلمته و انّ ادلاء الحی هم خلقوا بامره و کل من عند الله فی الکتاب لیخلقون.

و یا :

شهد الله انه لا اله الا هو الملک ذو الملائکین و انّ علی قبل نبیل ذات الله و کینونیته و انّ ادلاء الحی هم فی کتاب الله اول المؤمنین.

[4] این نکته ضروری است که بدانیم یازده سالگی از نطفه حساب می شود.

دیگر احکام روزانه

خواندن نوزده آیه از بیان یا نوزده مرتبه الله *الله ربی و لا اشرک بالله ربی احدا* . (بیان فارسی) و یا : *سبحان الله الملک المقتدر. (هیکل الدین) از طلوع آفتاب تا طلوع دیگر.*

نود پنج بار یک اسم یا پنج اسم هرکدام نوزده بار مثل الله اکبر– الله اعظم – الله اجمل – الله انور - الله اطهر

نماز

نوزده رکعت است از ازظهر تا ظهر روز بعد :

بسم الله الامنع الاقدس

شهد الله انه لا اله الا هو له الخلق و الامر یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی و انه هو حی لا یموت فی قبضته ملکوت کل شیئ یخلق مایشاء بامره انه کان علی کل شیئ قدیر.

یعنی : به نام خداوند ممتنع و مقدس گواهی داد خداوند که نیست خدائی جز او آفریدن و فرمان دادن مخصوص اوست . زنده می کند و میمیراند و بعد میمیراند و زنده می کند و همانا او زنده ای است که هرگز نمیمیرد ملکوت هر چیز به دست اوست هر چیز را بخواهد به فرمان خود می آفریند . بی شک او بر هر چیز تواناست .

صلوات بر "یحیی " ملقب به *صبح ازل - وحید اعظم - مرآت اول – علی – بهاء- نور و ثمره* . و نقطه بیان اظهار امیدواری کرده اند که در طی ۲۰۰۱سال طول جریان بیان ۱۹ مرآت ظاهر گردد. یعنی در هر قرن یک مرآت و یا در هر ۶۶ سال یک مرآت ظاهر گردد و صلوات چنین است :

اللهم صل علی ذات مرآة الازل فی کل حین و قبل حین و بعد حین.

ذکر مرآت روزی پنج مرتبه ، از صفحه ۷-۳۶ منتخبات دلیل المتحیرین محمد جعفر نراقی از مستیقظ : *ذکر اسم این وصی من بر هر کس در هر شبانه روز پنج مرتبه لازم است . به دلیل این که این وصی دلیل شماست به سوی من یظهره الله و سبیل خلق است به سوی ساعت ..... و یوم ظهور من یظهره الله.*

مقدمات نماز

حکم نیت :

ولتقرئن فی اول کل اعمالکم ذلک الآیة :

انی لاعملنَّ هذا لله رب السموات والارض ومابینهما المهیمن القیوم .

یعنی : این کار را من برای پروردگار نگهدارنده پاینده آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است انجام میدهم .

(خلاصة الاحکام صبح ازل).

در حکم وضو :

وجوهکم ویریدکم من حد الکف تغسلون ان تریدون ان تصلون ثم بمندیل تلطفنَّ وجوهکم وایدیکم ... ولتوضئنَّ علی هیکل التوحید بماء طیّب مثل ورد لعلکم بین یدی الله یوم القیمة بماء الورد والعطی تدخلون . (۸-_۱۰ - بیان عربی)

وانّ حین وضوئکم بماء اوماء طیّب وجوهکم وایدیکم من کفکم ظاهرا وباطنا تغسلون ثم بمندیل حریر ملوّن فانکم تمسّون واذا لم تجد الماء او یصعب، خمس مرة ((بسم الله)) تقولون . (۱۰-_۸- هیکل الدین)

یعنی : هنگام نماز خواندن با گلاب وضو بگیرید صورت و دستان خود را از مچ بشویید بعد با دستمال پاک کنید . . . .به صورت فردی با گلاب وضو بگیرید شاید در ظهور بعد در محضر محبوب با عطر و گلاب وارد شوید. در هیکل الدین پاک کردن دست و صورت با دستمال حریر رنگی است و در نبودن آب و یا مشکل داشتن پنج مرتبه ((بسم الله)) گفتن است و یا نود و پنج مرتبه الله اظهر گفتن. (خلاصة الاحکام).

مبطلات نماز

موارد زیر وضو نماز و ذکر را باطل نمی کنند : خارج شدن باد – خواب در خواب محتلم شدن و استمناء فقط باید شست و شو انجام داد و پاکیزگی حاصل گردد .

این نکته قابل ذکر است هنگام نزدیکی باید شست و شو انجام شود و وضو گرفت و با همسر نشست و این آیه را نوزده مرتبه با تواضع خواند : *سبحانک اللهم ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من المسجین.* (۱۰_۸- بیان عربی). اما ربا گرفتن از مؤمن باطل کننده عبادات و خروج از دین است (خلاصة الاحکام)

غسل : بعد از وضو و شست و شو یکبار در آب فرو رفتن کافی است و یا سر ، تن ، دست راست ، دست چپ ، و پای راست و چپ را به ترتیب شسته حمد خدارا بهمان ترتیب باید بجای آورد یعنی یا فرد ، یا حی ، یا قوم ، یا حکم ، یا عدل ، یا قدوس گفت . این همان اسماء سته است که نقطه بیان جل قدره در هیکل انسان ، به شش عضو بدن نوشته اند .

در کمبود آب ، سه مشت آب به سر ، دو مشت به دوش راست و دو مشت به دوش چپ ریخته شود . (خلاصة الاحکام)

حکم زنان : *و انّ النساء حین ما تشهدن الحمل او یرون الدم لم یکن علیهن الا ذکر الله کیف ترضین و رفع عنهن الصوم وقضائه ثم الصلوة وقضائها الا و هن من زوال الی زوال خمس و تسعین مرة تقولون* :

سبحان الله ذی الوجهة و الجمال .(۱۰_۸- هیکل الدین) و یا *سبحان الله ذی الطلعة و الجمال* (۱۰_۸- بیان عربی)

زنان در بارداری و عادت ماهیانه نماز و روزه ندارند فقط وضو می گیرند و از ظهر تا ظهر دیگر نود و پنج مرتبه این آیه را می خوانند : تنزیه می کنم خدائی را که زیباست[°] .

حکم سفر : *و انتم و هن فی الاسفار بعد ما تنزلن و تسترحن مکان کل صلوة تسجدن مرة واحدة ثم فیها لتسجون ثم تقعدنّ علی هیکل التوحید و ثمانیة عشر مرة تسجون الله*...

شما و زنان در سفر بعد از فرود آمدن و استراحت کردن بجای نماز روزانه یکبار به سجده بروید و سبحان الله بگویید و پس از آن تنها بنشینید و ۱۸مرتبه سبحان الله بگویید پس از وضو گرفتن .

[°] اصل این آیه ذکر شود.

پاسخ صبح ازل علیه بهاء ربه به مسیو نیکلا در سوال ششم در رابطه با نماز می فرماید :
وضع نماز به نوزده رکعت امر شده بود ولی هنگام شهادت وضع آن تغییر یافت . چه اول امر بود که هنگام ظهر با وضو نماز خوانده شود و در آن ایام حبس امر فرمودند که خداوند رکوع و سجود را برداشت . نوزده مرتبه آیه شهادت که نازل شده بخوانند . مقصود ذکر خدا است نه آنکه تطویل کلام چنانچه در انجیل نماز مختصر ذکر است وآنهم پس از خواستن تلمیذ که حواریین بوده قرار شد.
وجوب آیینه نگاه کردن – کتب الله ان تنظرنَّ فی المرآت فی کل یوم و لیلة و اذا خلقکم الله فی اجمال فلتصلینَّ نقطة الاولی و ادلاء امرهِ و ان خلقکم الله من دون اجمال فلتستغفرون : واجب است در هر روز و شب به آیینه نگاه کنید در صورتی که خداوند شما را زیبا آفریده باشد به نقطه اولی و حروف حیش صلوات بفرستید در غیر اینصورت استغفار نمایید.
حکم ایام هفته : کذلک قد تجلی الله الایام بنفسها و جدَّد اسمائها بالجلال و الجمال و الکمال والفعال و العدال و الفضال و الاستقلال وجعل الحجة الذی هو الاستقلال لسلطان مهیمنا علی کل الایام اعزازا "لمن یظهره الله" جل ذکره و ارتفاعا لامره جل قدره لیحضرن کل فی ذلک الیوم بین یدیه وهم ساجدون .(چهار شان(اسماء کل شئ ،۲-_۵)
در پنج شان: ۱. الفضال ۲. الاستجلال است .

ادعیه ایام هفته

یوم الجلال : روز شنبه : ولاشهدنک یا الهی هذا یوم الجلال بانک انت جلال الجلالین، لتوتین الجلال من تشاء و لتمنعنَّ الجلال عمن تشاء و لتعزن من تشاء و لتذلن من تشاء بیدک ملکوت کل شئٍ فانک کنت علی ذلک لمقتدرا قدیرا .

یوم الجمال : روز یکشنبه : ولاشهدنک یا الهی هذا یوم الجمال بانک انت جمال الجمالین لتوتین الجمال من تشاء و لتنزعن الجمال عمن تشاء و لت... عمن تشاء بیدک جبروت کل شئٍ فانک کنت علی ما تشاء مقتدرا محیطا .

یوم الکمال : روز دوشنبه : ولاشهدنک یا الهی هذا یوم الکمال بانک انت کمال الکمالین لتوتین الکمال من تشاء و لتمنعن الکمال عمن تشاء و لتعززن من تشاء و لتخذلن من تشاء و لتغنین عمن تشاء بیدک لاهوت کل شئٍ فانک کنت علی ما تشاء مقتدرا عظیما .

یوم الفضال : روز سه شنبه : و لاشهدنک یا الهی هذا یوم الفضال بانک انت فضال الفضالین . لتوتین الفضیلة من تشاء و لتمنعن الفضیلة عمن تشاء و لتلطفنَّ علی من تشاء و لتقدرن علی من تشاء و لتعلمن من تشاء بیدک عظموت کل شئٍ فانک کنت علاما قدیرا .

یوم العدال : روز چهارشنبه : ولاشهدنک یا الهی هذا یوم العدال بانک انت عدال العدالین لتوتین العدالة من تشاء و لتنزعن الملک عمن تشاء و لتحیین من تشاء و لتمیتن من تشاء و لتبعثن من تشاء بیدک قهروت کل شئٍ فانک کنت علی ذلک لمحیطا علیما .

یوم الاستقلال : روز جمعه : ولاشهدنک یا الهی هذا یوم الاستقلال بانک انت سلاط السلاطین لتوتین السلطنة من تشاء و لتنزعن السلطنة عمن تشاء و لتغلبن من تشاء و لتسلطن من تشاء و لتقهرنَّ من تشاء بیدک هاهوت کل شئٍ فانک کنت قدارا مقتدرا قدیرا .

- فریضه روز جمعه بطور اختصاصی : فلتقولن یوم الجمعة فی تلقاء الشمس تلک الآیة لعلکم یوم القیمة بین یدی شمس الحقیقة لتقولون :

انما البهاء من عند الله علیک یا ایتها الشمس الطالعة فاشهدی علی ما قد شهد الله علی نفسه : انه لا اله الا هو العزیز المحبوب . (۷-۱۷- بیان عربی)

- دربیان فارسی : انما البهاء من عند الله علی طلعتک یا ایتها الشمس الطالعة فاشهدی علی ما قد شهد الله علی نفسه – انه لا اله الا هو العزیز المحبوب .
- درهیکل: ان اقرءوا یوم الجمعة فی تلقاء الشمس – ان اشهدی ان لا اله الا هو المهیمن القیوم لعلکم یوم القیمة بین یدی شمس الازل لتقولون .

- انتم اذا تسمعن ذکر النقطة تصلون علیه ثم علی حروف الحی لعلکم یوم الظهور بهم تهتدون ... و انتم لیلة الجمعة ثم یومها تقولون : سبحانک اللهم صل علی ذات حروف السبع ثم حروف الحق بالعزة و الجلال .(۱۹-۸ بیان عربی)
- در بیان فارسی : و در هر شب جمعه و یوم آن قدر دانید که آن شب و روزی است که اعمال در آن مضاعف می گردد . و ذکر کنید من یظهره الله و حروف حی آن را دویست و دو مرتبه و بخوانید خدا را از روی اخلاص عدد چهار غین . در اول باب : و اذکروا الله محمدا و مظاهر امره فی کل لیلة جمعة و یومه اثنی و مأتین مرة ثم اذکروا الله فیهما اربعة الف مرة "یا الله "
- این را میرساند که حروف واحد گذشته و آینده ، امروز حروف واحد بیان است .و ذکر کردن ، صلوات بر آنان است . بنابراین ۲۰۲مرتبه صلوات بر حروف واحد و ۴۰۰۰مرتبه "یا الله"گفته می شود .
- فلتحضرن یومئذ بین یدی الله فان هذا حضورکم بین یدی من یظهره الله ... و تحضرون مقاعد واحد البیان .. معنی : روز جمعه در برابر خدا حاضر باشید که حضور در برابر من یظهره الله است در ظهور او . و در مابین الظهورین ، در مقاعد واحد اول بیان حضور بهم رسانید ، بخصوص در مقعد اول مؤمن . آداب زیارت بعد بیاید.
- "یا رائی " ولتتلون ذلک الاسم یوم الاستقلال لیضاعفن اموالکم فی الحیوة الاولی ثم حسناتکم فی الحیوة الاخری و انتم لیوم من یظهره الله تستعدون . معنی : اسم رائی را در روز جمعه بخوانید تا اموال شما را در دنیا ، بعد نیکی هایتان را در حیات آخرت بیفزاید و نیز برای ظهور من یظهره الله آماده شوید .

احکم ماه و سال

ان احبوا سنتکم تسعة عشر شهرا ثم شهرکم تسعة عشر یوما و انتم من اول یوم الظهور من سنة الابد لتکتبون . (باب ۳ از واحد ۵ هیکل الدین) معنی : سال نوزده ماه و ماه نوزده روز است . شما از اول روز ظهور از سال ابد (هفتم) سال ها را بنویسید و حساب کنید .

ماهها :

۱. شهر الله الاعظم :

۲. *حکم تخلیص دریکی از ماهها غیراز شهرالله الاعظم : اتمّ فی کل حول شهراباسم الله تُخَلّصون (۴-۷-بیان عربی) معنی: شما هرسال یک ماه به یک اسم از اسماء الله تخلیص کنید وآغازآن از غروب روزاول ماه و پایان آن غروب روزنوزدهم ماه است .*

۳. *ماه روزه : اتمّ فی کل حول شهرالعلاء لله تصومون . وقبل ان یکمل المرء والمرئة احد عشرسنة من حین ماینعقد نطفته ان یریدون الی الزوال لیصومون . وبعد مایبلغ الی اثنین واربعین سنة یعفی عنه ماپینهما من الطلوع الی الغروب تصومون ... واتمّ اِن تستطیعن قبل الطلوع و بعد الغروب لتُضیفون.* معنی : شما هر سال ماه علاء را روزه بگیرید ، از سن یازده سالگی از هنگام انعقاد نطفه ، قبل از آن خواستید تا ظهر روزه دار باشید و از چهل و دو سال به بالا عفو شده و مابین این دو از طلوع آفتاب تا غروب روزه داشته باشید .

پرهیز : خوردن ، نوشیدن ، نزدیکی با همسر ، مجادله ، گرچه علمی باشد ، ظلم هر چند کم باشد و حکم بر خدا یعنی حکم بر مظهر خدا مبطل است .

۴. خواندن زیارت نامه برای نقطه اولی جل وعز در شب شهادت و ماه شهادت (ماه رحمت) و ذکر مصائب آن .

اعیاد در تقویم بدیع

١. *یوم الله الاعظم* - *عید فطر* : حکم آن بیان شد و جوابیه حضرت ثمره : نوروز که قرار فرموده اند زمان اول ظهور ، پنجم جمادی اول بوده نظر به اعدادی که فرموده اند ، آن ایام از مقام خود خارج شده است به حساب آن باید پرداخت .(بقیه اعیاد و احزان نیز طبق این دستور عمل می شود .)

٢. *عید مرآتیت* : در روز ششم ماه جلال از سال اول بدیع ، روز تعیین میرزا یحیی فرزند میرزا بزرگ نوری ، ملقب به *صبح* ازل به مرآتیت بیان می باشد . و این روز غدیر حقیقی و نوروز دوم خوانده شده و این روز را نقطه بیان جل قدره جشن می گیرند و حمد و ثنای خدا را به جای می آورند.[۶](به تصریح *صبح ازل*)

٣. *عید میلاد نقطه بیان عز اسمه*: اول محرم ۱۲۳۶ ه.ق . است .[۷] (به تصریح بیان)

نحوه محاسبه سن حضرت اعلی جل ذکره :

تا پنجم جیم اول ۱۲۶۶مبدأ تاریخ به حساب روز، یکدوره سی ساله + ۱۲۳ روز =۱۰۷۵۴ روز

(۱۰۶۳۱ روز)= (۱۱روز کبیسه)+(۱۰۶۲۰روز) = (۳۵۴ روز قمری) * (۳۰ سال)

(۱۰۷۵۴ روز) = (۱۲۳ روز)+ (۱۰۶۳۱ روز)

(زندگی از زمان تولد) = (۲۹ سال و ۱۵ ماه) = (۳۶۱روز سال بیانی) ⁄ (۱۰۷۵۴ روز)

درکتاب پنج شان مدت عمر خود را سی و یکسال و چهل و دو روز قمری حساب فرمودند درنتیجه :

مدت عمر طبق پنج شان ۱۱۰۲۷ روز= (۱۱ روز کبیسه) +(۴۲ روز)+ (۱۰۹۷۴روز) = (۳۵۴ روز قمری)* (۳۱ سال)

در نتیجه مدت زمانی که ایشان در رحم مادر بودند به اینگونه محاسبه خواهد شد:

---

[۶] *و لتجعلن یوم السادس من شهر الجلال عیداً لاولکم و آخرکم و ظاهرکم و باطنکم کما جعل الله ذلک لکم عیداً فی البیان لعلکم تشکرون . قل ذلک عید ما جعل الله من لسان نفسه فی البیان لمرآت ذاته و ذلک من فضل الله یختص به من یشاء من عباده . . . و اجعلوا ذلک عید الغدیر و ال الحقیقی و یوم الاجتلال و الارتفاع . . .*

[۷] به تحقیق ما ، روز ش دوشنبه بود

۱۱۰۲۷-۱۰۷۵٤=۲۷۳

سپس ۱۱۱ روز دوران الوهیت را نیز که اضافه کنیم رویهم رفته مدت زمان عمر ایشان محاسبه می شود که برابر است با ۱۱۱۳۸ روز.

که به حساب بیانی معادل ۳۰ سال و ۱۶ ماه و ۴ روز می شود.

زمانی که حضرت نقطه جل جلاله در رحم مادر بوده اند به حساب بیانی:

۲۷۳/۱۹=۱۴ ماه + ۷ روز

۴. *عید طلوع حضرت قدوس* علیه بهاء ربه بیستم رمضان به تصریح خود و صبح ازل علیهما بهاء ربهما می باشد. ولی سال آن ذکر نشده است. دو گزینه هست ایمان آوردن و ظهور قائمیت ایشان در سال چهارم ظهور (۱۲۶۳) می باشد.

أ. در پاسخ سوال حروف حی از رجعت، حضرت رب اعلی جل ذکره می فرماید: *"در نقطه بیان نظر کن همان حرف چهار ماهه ی بدء ظهور اقویٰ بودند از ۱۲۷۰ سال گذشته."* توضیح آنکه از پنجم جیم اول تا بیستم شعبان۱۲۶۰ ه. حروف حی تکمیل شد و نقطه اولی عز ذکره بیست و ششم آن ماه عازم حج می شوند.

ب. *"اظهرت نفسی باسم المقصودیة الموعودیة لابد اَن یلبسنها من هیکلها. فانظر کیف جاء صاحبه قل قدوس..."* (۵ شان)
خداوندا مرا باسم قائم موعود ظاهر کردی، ناگزیر باید کسی این خلعت را به تن کند نگاه کن چگونه صاحب آن خلعت آمد، بگو قدوس است....

ج. در وقایع میمیه چنین آمده: " تا آن که در سنه ی ۱۲۶۳حضرت قدوس به خراسان تشریف فرما شدند، چندی بعد، اظهار امر خود را فرمودند."

د. جناب اسم الله الاول در سال عازم ماکو می شوند جهت دیدار محبوبش. در بازگشت مامور می شوند که از مازندران عازم خراسان شوند. در مازندران خدمت حضرت قدوس می رسند. روز اول در صدر مجلس می نشینند و روز دوم در پایین دست حضرت قدوس. اینها شواهدی است که بیستم رمضان ظهور قائمیت ایشان در سال ۱۲۶۳می باشد و ما بیستم رمضان را تا پنجم جیم اول

حساب کردیم۹۳۰ روز شد.= دو سال و ده ماه و هیجده روز بدیع دوم ماه اسماء از سال سوم ماقبل مبدأ تاریخ بدیع.

۵. ***عید بشارت*** - جمعه ۱۹ محرم ۱۲۸۱ ه.ق. = ۱۵/۰۹/۰۵ بدیع = ۱۲۴۳/۰۴/۰۴ شمسی = ۲۴ ژوئن ۱۸۶۴ م.

۶. ***عید ابتهاج*** –شب شنبه ۸ شعبان ۱۲۸۱ = ۱۵/۱۹/۱۲ بدیع = ۱۲۴۳/۱۰/۱۷شمسی = ۷ ژانویه ۱۸۶۵ م.

۷. ***عید قدس الازل*** –شب سه شنبه ۷ جیم ثانی ۱۲۸۱ =۱۵/۱۶/۰۹ بدیع =۱۲۴۳/۰۸/۱۷ شمسی =۸ نوامبر ۱۸۶۴ م .

۸. ***عید حیات*** –پنجشنبه ۱۰ رمضان ۱۲۸۵ = ۱۹/۱۹/۱۵ بدیع = ۱۲۴۷/۱۰/۰۴ شمسی = ۲۴ دسامبر ۱۸۶۸ م.

۹. ***عید جمع*** –جمعه ۱۳ جیم ثانی ۱۲۸۷ = ۲۱/۱۴/۱۲ بدیع = ۱۲۴۹/۰۶/۱۶ شمسی = ۹ سپتامبر ۱۸۷۰ م .

۱۰. ***عید پنجاهه***–دوشنبه ۲۱ شوال ۱۳۱۵(۱۷۵۲۷روز) =۴۹/۱۱/۰۹ بدیع =۱۲۷۶/۱۲/۲۴ شمسی = ۱۸۹۸/۰۳/۱۴ م .

ایام احزان

١. شهادت جناب باب الباب – شنبه ٩ ربیع الاول (عین الاول) ١٢٦٥= ٢/١٧/٠٩ قبل از مبدأ = ١۴ بهمن ١٢٢٧ شمسی = ٢ فوریه ١٨۴٩

٢. شهادت حضرت قدوس - غروب روز چهارشنبه ٢٩ جیم ثانی آغاز شب پنجشنبه اول رجب ١٢٦۵ (٣٠٠ روز قبل از مبدأ) = ٢/٠۴/١۵ قبل از مبدأ = ١٢٢٨/٠٣/٠٣شمسی = ١٨۴٩/٠۵/٢۴ م . (١۵ ماه + ۵ روز =۴٢ هفته + ٦ روز)

٣. شهادت رب اعلی جل ذکره - دوشنبه ٢٧ شعبان ١٢٦٦ (نقطة الکاف) = ١/٠٦/١٦ بدیع = ١٢٢٩/٠۴/١٧ شمسی = ٦ ژوئیه ١٨۵٠م .

۴. شهادت جناب وحید اکبر ع – سه شنبه ٢٨ شعبان ١٢٦٦ = ١/٠٦/١٧ بدیع = ١٢٢٩/٠۴/١٨ شمسی =٧ ژوئیه ١٨۵٠ م.

۵. شهادت حضرت حجت زنجانی ع – سه شنبه ١٩ صفر ١٢٦٧ دو ساعت به ظهر مانده = ١/١۵/١۴ بدیع = ١٢٢٩/١٠/٠٣ شمسی = ١٨۵٠/١٢/٢۴م. (٢٨٠ روز بعد از مبدأ)

٦. شهادت شهدای تهران و حضرت طاهره ع - چهارشنبه ٣٠ ذی قعده ١٢٦٨ = ٣/١٠/١٨ بدیع = ١٢٣١/٠٦/٢۴ شمسی = ١٨۵٢/٠٩/١۵م.(٩١١روز) و حضرت طاهره را شب پنجشنبه در باغ ایلخانی خفه کرده به چاه انداختند.

٧. صعود سید کاظم رشتی ع - شب سه شنبه دهم ذی حجة ١٢۵٩واقع شده است . ١٩ روز به اول محرم ١٢٦٠ باقی بود . دوشنبه اول محرم ٦٠ است . زیارت نامه دارد که باید روز صعود خوانده شود.

٨. صعود شیخ احمد احسایی –

٩. شهادت ملا علی بطامی –سال ١٢٦٢ ه. در حبس کرکوک عراق . روز، هفته و ماه باید تحقیق گردد.

١٠. ١٠ـ صعود حضرت ثمره ع – ساعت ٧ صبح دوشنبه ١٢ جیم اول ١٣٣٠ = ٦٣/١٦/١٩ بدیع = ١٢٩١/٠٢/٠٩ شمسی = ١٩١٢/٠۴/٢٩م.

احکام حج

- بیان عربی ۱۶-۴ : ان یا عبادی ای بیتی تصعدون و ذلک بیت من یظهره الله ذلک بیتی
- بیان عربی ۱۶-۴ : و اِنَّ مسجد الحرام ما یولد من یظهره الله علیه ذلک ما وُلِدتُ علیه قل مقعد احمد ذکری یدخل فیه انتم هنالک لتصلون .
- هیکل الدین محل بیت : ان اصعدوا الی بیت الله . . . انتم حول البیت ذلک ما کنت فیه . . . و اِنَّ بمثل ذلک مسجد الحرام ذلک ما ولدت علیه و اِنَّ مقعد احمد ذکری یدخل فی المسجد و ما دفنت فی حوله . . . (خانه ، بیت الله ، محل تولد ، مسجد الحرام است).
- ـ کتاب جزا : لقد فرض الله حج البیت علی الرجال دون النساء . . . قل ان مسجد الحرام ، مسجد الذی نزل فیه الکتاب ، فلتسبحنَّ الله فیه و لتقدسنه فان ذلک مقعد الاعلی عند الله فی الرضوان ،یوم الذی یدخل الله الارض فی الجنة—و اِنّ ارض التی تستقرن النقطه من بعد حیوة الاولی، تلک اعلی غرف الرضوان .یتزلون الملائکة من عند الله فی کل یوم سبعین الف عدد و لایصعدن الی السماء الی یوم ینفخ فیه الصور ... و لاتقربوا النقطة الاّ اَنْ تفصلوا بینکم و بینها خمسة ذراع . و لاترفعنّ فوق الرأس ، فتحبط اعمالکم و انتم لا تعلمون.

این مسجد الحرام که در آن کتاب الله نازل شده همان مسجدی است که بنای مثال کعبه در وسط آن شده و به مسجد جامع عتیق مشهور است (این نکته قابل ذکر است که خانه حضرت بیت بوده و ۶۰طول ۶۰ عرض و ۶۰بلندی ساخته خواهد شدو مسجد الحرام شامل بیت و اطراف آن که شامل مسجد جامع عتیق فعلی است داخل مسجد الحرام قرار خواهد

گرفت). و ذکر در آن ، تسبیح و تقدیس یعنی " سبحان الله و قدسان الله " گفتن است . و مراد از آن شهادتین است یعنی : *شهد الله انه لا اله الا هو واِنَّ ذات حروف السبع عبده و بهاؤه.*

- *اُذکروه فی اعیادکم و ایامکم دونها ... و ان دخلتم مساجد الحی فاذکرو الله فیها و ان طفتم حول البیت فاذکروا الذی خلقکم . و ان دخلتم المسجد فی ذاک فاذکروا الله و سبحوه و قدسوه بحمده فی کل شان .و حجّوا لله خالصا من دون شیئ و اجعلوا اعمالکم خالصة لله . (لحظه ۱۹۳) در عیدها و سایر روزها ، او را بخوانید و اگر به هیجده مسجد وارد شوید ،در آنها خدا را یاد کنید . و هرگاه به دور بیت طواف کنید ، یاد نمایید آن کسی را که شما را آفرید (آیه توحید سبحان الله یا کلمه توحید است) و در ورود به مسجد الحرام ، در تمام مدت ، سبحان الله و قدسان الله بگویید یا کلمه شهادتین: لا اله الا الله و انّ علیا قبل نبیل نفس الله.*

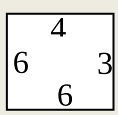
و لتقولنّ فی شهر الاول فی مقام النقطة " بانّ الله لا اله الا هو المهیمن القیوم " . در رتبه نقطه درهر جا که هستید به ویژه در خانه خودش بیت الله .

- *و اخرجوا من دیارکم لزیارة بیت الله و بیت نفسه و مقاعد الحی ان انتم تستطیعون ان تفعلون .... قل الله جعل هذا البیت قبلة لکم و اقیموا وجوهکم شطر المسجد الحرام و لا تولّوا بِادبارکم و لاتذهبوا الی الیمین و الشمائل.* (صفحه ۱۹۲قدس الازل)

هرگاه توانستید، از جاها و خانه های خود ، برای زیارت خانه خدا و نقطه نفسش و همچنین مقاعد حروف حی ، بروید ... بگو خداوند این خانه را برای شما قبله قرار داد . به جانب مسجد الحرام رو کنید و به آنجا پشت نکنید و راست و چپ نروید .

[8] به نظر میرسد که اشتباهی در اینجا وجود دارد.

- لا تحتجب عن بیت الله فانّ من یظهره الله یدخل فی ذلک البیت وینظر مَنْ یحجُّ لله ربه ویسئل الله اَنْ یُرزقهُ الایمان به یوم ظهوره ... ثم قل عند کلّ واحد : ((انما البهاء من الله علیکم ثم الجلال من الله علیکم ثم الجمال من الله عن شمائلکم ثم العظمة من الله بین ایدیکم ثم النور من الله عن ورائکم ثم الرّحمة من الله فوق رؤسکم ثم الموهبة من الله تحت ارجلکم . لم یزل الله ینزل علیکم ما ترفع به کینونیاتکم و تعلو به ذاتیاتکم و تمنع به نفسانیاتکم و تظهر به انیاتکم فعلیکم من الله ربکم و علی من کان معکم فی روضة القدس و الجنة الاُنس من الاولین و الاخرین و الظاهرین و الباطنین اعداد اسم الله المنیر او من یکن مثلهم الی یوم القیمة اذ اولوالعزّة نازلون بفنائکم و اولوا السلطنة کلّهنّ یخضعون عند بابکم و اولوا القدرة یقومون بین ایدیکم و اولوا السلطنة یخضعون بین اعینکم هذا ما قد مَنَّ الله علیکم فی اُولیکم و اُخریکم انّه هو المهیمن القیوم .))

از خانه خدا (زیارت) غافل مباش ، زیرا که من یظهره الله به آن خانه وارد می شود و نگاه می کند به کسی که برای رضای خدا پروردگارش ، حج می کند . و از خدا می خواهد که در روز ظهورش ، نعمت ایمان را به او ،روزی دهد ... پس در مقام هر یک از حروف واحد بگوید : انما البهاء من الله علیکم ... القیوم. مقام واحد همان سرائر مرفوعه ملوّنه یعنی نوزده سریر و نیمکت حول بیت که در رکن اول سفید و در ثانی زرد و در ثالث سبز و در رابع قرمز است که با چهار رنگ حریر آذین بسته می شود 

و نوزده نفر خدام بیت روی آنها قرار می گیرند و با ماء واحد (چاي) از حجاج پذیرایي می کنند . و اینها مثال حروف واحد یعنی اهل بیت اند تا بدین وسیله آماده و مستعد گردند به ظهور ایشان . و امروز نوزده مرتبه بهمین نیت می توان خواند .

- بعد از آن در یک جا بایستد و به عدد رب (۲۰۲) بگوید: الله انور

- بعد از آن بخوان: ما شاء الله لا قوة الاّ بالله، له الخلق و الامر من قبل و من بعد لا اله الاّ هو العزیز المحبوب. و بعد: ماشاء الله لا عزّة الاّ لله، له الکبراء و العظمَ فی ملکوت السموات و الارض و ما بینهما لا اله الا هو المهیمن القیوم
- دعای قبولی حج: ربنا تقبل منّا و اشهد علینا یوم الجمع، و هب لنا من لدنک رحمة، انک لا یعزبک من شیئ وانک سمیع الدعاء، هب لمن یؤمن بک و بایاتک ما انت تحبه و ترضاه سبحانک لا اله الا انت و الیک کلّ یقلبون. ربنا انصراهل هذه القریة و هب لکل ذکرٍ و اُنثی ما یرضیهم و یرضیهنّ و ایّاهم و ایّاهنّ ضعفَین فی الدنیا و الاخرة انک انت المهیمن القیوم.
- ما من نفس یحجُّ لله او یزور نقطة البیان او احد من ادلاء الحی، الاّ یکتب الله له ثواب الکل و یغفر الله له و لاَبَویه و لسبعین نفساً من ذوی قرابته من الذین مضوا و یمضوا، قل کلّ بما نزّل الله لیفرحون.

خلاصه احکام حج

۱. **طواف** : هفت دور می باشد به دور خانه حضرت که در آن (سبحان الله و قدسان الله) گفته می شود

۲. دو رکعت نماز در مسجد الحرام

۳. زیارت خواندن : در هر کرسی زیارت آن مقام را بخوان (یعنی برای هر یک از حروف واحد یک بار)

انما البهاء من الله علیکم ثم الجلال من الله علیکم ثم الجمال من الله عن شمائلکم ثم عظمة من الله بین ایدیکم ثم النور من الله عن ورائکم ثم الرحمة من الله فوق رؤسکم ثم موهبة من الله تحت ارجلکم لم یزل الله ینزل علیکم ما ترفع به کینونیاتکم و تعلوا به ذاتیاتکم و تمنع به نفسانیاتکم و تظهر به انیاتکم فعلیکم من الله ربکم و علی من کان معکم فی روضة القدس و الجنة الانس من الاولین و الاخرین و الظاهرین و الباطنین اعداد اسم الله المنیر او من یکن مثلهم الی یوم القیمة اذ اولوالعزة نازلون بفنائکم و اولوا السلطنة کلهن یخضعون عند بابکم و اولوالقدرة یقومون بین ایدیکم و اولوا السلطنة یخضعون بین اعینکم هذا ما قد منّ الله علیکم فی اولیکم و اخریکم انه هو المهیمن القیوم .

یا

دعای ذیل را یکبار بخوانید:

بسم الله الامنع الاقدس

۱. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت ببهاء لا اله الا انت ان تصلین علی حرف الباء بما انت علیه من بهاء لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۲. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بجلال لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف السین بجلال ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۳. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بجمال ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف المیم بجمال ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۴. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بعظمة ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف الالف بعظمة ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۵. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بنور ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف اللام بنور ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۶. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت برحمة ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف اللام برحمة ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۷. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بکلمات ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف الهاء بکلمات ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۸. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بکمالات ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف الالف بکمالات ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۹. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت باسماء ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف اللام باسماء ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۱۰. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بعزة ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف الالف بعزة ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

۱۱. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بمنّ ان لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان تصلین علی حرف المیم بمنّ ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١٢. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بعلم ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف النون بعلم ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١٣. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بقدرة ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف العین بقدرة ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١۴. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بقول ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف الالف بقول ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١۵. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بقوة ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف اللام بقوة ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١۶. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بسلطنة ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف الالف بسلطنة ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١٧. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بملک ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف القاف بملک ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١٨. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بعلاء ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف الدال بعلاء ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

١٩. اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بآیات ان لا اله الا انت اذلا اله الا انت ان تصلین علی حرف السین بآیات ان لا اله الا انت انک کنت ذا فضل عظیما.

یا الهی لو اُرید اَنْ اَذکرنّک بحروف البیان کله لا اَقدر علیه فاجز اللهم کل حرفٍ باحسن ما تجزی ذات حرفٍ عندک اذ کل ادلاء علی نقطة واحدة علی ان لا عِدل لها و لا مثل و لا کفو لها و لا شبه و لا قرین لها و لا عدیل، اذ انها هی شمس واحدة و ما دونها مرایاء ینطبع فیها مثال تجلیها کل علی قدر ما انطبعت فیها.

لاسئلنک بالمرایاء التی قد حضَرت بین یدیها قبل ان یکثُرنّ تلک المرایاء اِنّ بعد ذلک یا الهی الی یوم لا حدّ لها لاَذکرنها فانزل اللهم علی کل ذات هیکل آمن بک و ذات نفس سجدت لک ماینبغی لعلو جودک و سمو فضلک و ارتفاع کرمک و امتناع وهایتک انک کنت وهاباً قدیرا

ترجمه چهار خط پایانی:

ای معبود من اگر بخواهم که تو را یاد کنم به تمام حروف بیان (همه مؤمنین) توانايي آن را ندارم پس خدایا پاداش ده به هر حرفی به بهترین پاداشی که می دهی به هر صاحب حرفی که نزد تو می باشد چون هر کدام رهبری می نماید به یک نقطه ، آن نقطه ای که بي نظیر است و بی مثل و مانند است و شبیه و قرین ندارد و نمونه ای ندارد ، چون آن یک آفتاب است و دیگران (غیر ا و) آینه هايي هستند که در آنها عکس همان آفتاب نمایان می شود به اندازه ظرفیت آن آینه.

در خواست دارم از تو ای پروردگار به وسیله این آینه هايي که (حروف حی) در حضور نقطه حقیقت حاضر شدند قبل از افزایش آنها. همانا بعد از آنها یا الهی تا زمانیکه پایان ندارد که یاد کنم آن زمان را ، پس بفرست آنچه را که سزاوار است ای پروردگار به هر صاحب هیکلی که ایمان آورده به تو و هر صاحب نفسی که سجده کرده برای تو آن چنانکه سزاوار است برای بخشش والای تو و فضل بلند تو و ارتفاع کرم تو و امتناع وهابیت تو که همانا تو بخشنده توانا هستی.

۴. بعد از اتمام در جايي قرار بگیر و ۲۰۲ مرتبه بگو: (*الله انور*)
۵. بگو: *ما شاء الله لا قوة الا بالله له الخلق و الامر من قبل و من بعد لا اله الا هو العزيز المحبوب*
۶. بعد بگو: *ما شاء الله لا عزة الا لله له الکبریاء و العظمة فی ملکوت السموات و الارض و ما بينهما لا اله الا هو المهیمن القیوم*
۷. در مسجد وکیل ۹۵ مرتبه بگو: *الله اعظم*
۸. دعای قبولی حج: *ربنا تقبل منّا و اشهد علینا یوم الجمع ، و هب لنا من لدنک رحمة ، انک لا یعزبک من شیئ و انک سمیع الدعاء ، هب لمن یؤمن بک و بایاتک ما انت تحبه و ترضاه سبحانک لا اله الا انت و الیک کلّ*

يقلبون ربنا انصر اهل هذه القرية وهب لكل ذكرٍ و اُنثى ما يرضيهم و يرضيهنّ و ايّاهم و ايّاهنّ ضعفَين فى الدنيا و الاخرة انك انت المهيمن القيوم .